■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۸۶۸ ■ چهارشنبه ■ ۱۸ اسفند ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۵ | اذان مغرب ۱۸/۲۴ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۳ | اذان صبح فردا ۴/۵۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۳

سخن روز

امام علی (ع):
رمضان ماه خدا و شعبان ماه رسول خدا و رجب ماه من است.
شرح فروع کافی ج ۴، ص ۱۴

در فضای مجازی هم می‌توانیم اسطوره‌ها و شهدا را به جوانان بشناسانیم

سمانه خاکبازان: خیلی از جوانان سودای فضای مجازی را دارند، اما ما نه فقط در دفاع مقدس بلکه در تاریخ‌مان، ویژگی‌های تاریخی خاص حتی از دوران قاجار داریم. انسان‌هایی که مبارز بودند، در همه عرصه‌ها حضور پررنگ داشتند و در مقابل غاصب و ظالم می‌ایستادند. این موارد این‌قدر جذابیت‌های رفتاری خاص برای جوانان دارد که اگر از زندگی آنها بیان صادقانه بدون غلو داشته باشیم، باعث می‌شود جوانان از فضای مجازی کمی فاصله بگیرند و این سرگذشت‌ها را مطالعه کنند. در فضای مجازی هم می‌توانیم اسطوره‌ها و شهدا را به جوانان بشناسانیم و بعد خواهیم دید که اگر جوانی فقط چند سطر با این کتاب‌ها همراه شود، چگونه از فضاهای دیگر دور می‌شود.

بخشی از گفت‌وگوی ایبنا با نویسنده کتاب «عقربه‌های جا مانده.»

می‌خواهم کار کنم... من یک باغ می‌خواهم، یک خانه کوچک، چمنزار، حیوانات، کتاب‌ها، نقاشی‌ها، موسیقی و فراتر از اینها... می‌خواهم بنویسم....

گاردن پارتی
کاترین منسفیلد
نشر ماهی

نـــگاره
نیما شاه‌میری

افزایش قیمت پسته

اکران نوروزی سال ۱۴۰۱ از امروز (چهارشنبه ۱۸ اسفند ماه) با نمایش ۷ فیلم آغاز می‌شود. همزمان با آغاز اکران نوروزی پس از دو سال قیمت بلیت سینماها افزایش یافته است. طبق ابلاغیه جدید سازمان سینمایی قیمت بلیت‌ها در سینماهای با درجه مدرن در روزهای تمام بها ۴۵ هزار تومان و در روزهای نیم بها ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان. سینماهای با درجه ممتاز در روزهای تمام بها ۳۵ هزار تومان و در روزهای نیم بها ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان و سینماهای با درجه یک و دو در روزهای تمام بها ۲۵ هزار تومان و در روزهای نیم بها ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان خواهد بود. آن طور که مهرگزارش داده این قیمت‌ها با احتساب مالیات بر ارزش افزوده است.

گرانی سینما نباید از جیب مخاطب جبران شود

یادداشت

رضا درستکار
منتقد سینما

در دو سال گذشته شیوع کرونا باعث شده است صنعت نمایش در همه جای دنیا بویژه ایران خسارت جدی ببیند. وقتی موضوعات مرتبط با حوزه فرهنگ را تورق می‌کنیم، با تراکم موضوعات روبه‌رو هستیم؛ با آسیب‌هایی که دامنگیر فعالان این حوزه است و از سوی دیگر با توجه به تورم و کم شدن ارزش پول ملی مسأله افزایش قیمت بلیت امری بدیهی است. هم سینماداری گران شده و هم هزینه ساخت فیلم‌ها بالا رفته است. کف هزینه ساخت تولید یک فیلم حداقل ۸ میلیارد تومان است و فیلم باید بفروشد تا بازگشت سرمایه داشته باشد. سینمادارها دائم از افزایش قیمت تجهیزات و اقلام سخن می‌گویند. با تمام این اوصاف من با گران شدن بلیت سینما مخالف هستم. جبران این گرانی نباید صرفاً از جیب مخاطب پرداخت شود. هر ساله در آغاز سال حقوق‌ها ۲۰ درصد افزایش پیدا می‌کند و همگام با آن هزینه تمام خدمات و کالاها چندبرابر می‌شود. این روند باعث شده کالاهای فرهنگی از سبد خانوار حذف شود. در تمام دنیا روال این است که یارانه پرداخت می‌شود. همان‌طور که دولت به دارو و کالاهای اساسی یارانه دولتی اختصاص می‌دهد باید به حوزه فرهنگ هم یارانه اختصاص یابد.

هر دولتی با هر گرایشی در هر جای دنیا براساس استانداردها و مبانی سازمان یونسکو در حوزه فرهنگ موظف است از اهالی فرهنگ حمایت کند، به فرهنگ یارانه اختصاص بدهد و کمک کند که اهالی فرهنگ سرپا بایستند. در کشور ما ضریب این حمایت باید چند برابر باشد چراکه تفریح در سبد خانواده‌ها نیست و کالاهای فرهنگی از سبدشان حذف شده است. بازگرداندن فرهنگ و تفریح به سبد خانواده‌ها به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری جدی نیاز دارد. سینما تفریح طبقات پایین جامعه است. باید سقف بلیت سینما را در حدی نگه داریم که حداقل این تفریح از آنها سلب نشود.

قطعا دولت باید از طریق نهادهای ذی‌ربط به اهالی واقعی فرهنگ کمک کند. بودجه فرهنگ باید به نهادهایی که ارتباط مستقیم با هنرمندان و مخاطبان دارند اختصاص یابد. در سال‌های اخیر تلاش‌های خوبی برای سالن‌سازی سینما شده است اما همچنان این ظرفیت کم است. با افزایش ظرفیت سالن‌های نمایش و سینماسازی، دسترسی مخاطب به تفریح عمومی و سینما بیشتر می‌شود و به تبع آن کمبود نقدینگی در تیراژ و کمیت جبران می‌شود. لازم است با افزایش سالن‌های نمایش زمینه دسترسی مخاطب به سینما تسهیل شود. مؤلفه مهم دیگر حمایت از فعالیت بخش خصوصی در حوزه فرهنگ است. باید سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در حوزه فرهنگ احساس امنیت کنند. نظارت‌های سلیقه‌ای آفت اعتماد سرمایه‌گذاری در سینما است.

پرخاشگری؛ از مؤلفه‌های هیجانی تا شناختی/۵

شناخت مقدم بر هیجان یا برعکس!

یک فنجان چای

آزاده سهرابی
روانشناس

در اینکه مؤلفه‌های شناختی و مؤلفه‌های هیجانی در کجای چرخه پردازش هیجانات قرار می‌گیرد در میان صاحبنظران عقاید متفاوتی وجود دارد. بر اساس تقدم و تأخر در آنها و مداخله در این فرایند است که شاید تکنیک‌ها تغییر می‌کند. خشم یک احساس است که می‌تواند به یک هیجان که مؤلفه رفتاری دارد تبدیل شود و می‌تواند رفتار پرخاشگری در فرایند ایجاد هیجان خشم در فرد پدیدار شود و یا همان طور که پیش از این اشاره کردیم به دنبال جا به جایی‌های رفتاری و احساسی ما به پرخاشگری برسیم. حالا این پرخاشگری می‌تواند دامنه قهر تا رفتارهای تهاجمی و خشونتبار را دربر بگیرد. نگاهی به رفتارهای اجتماعی امروز در سطح جامعه و درون خانواده می‌تواند نمونه‌هایی از این الگو را مقابل ما قرار بدهد. حالا موضوع این است که باید برای توقف رفتار پرخاشگرانه چه کرد؟ همان طور که بارها در این هفته در همین ستون به آن اشاره شد دیدن و تجربه احساسات محترم و ضروری هستند چون بقای ما را تأمین می‌کنند. پس چگونه می‌توان احساس خشم را دید اما به پرخاشگری نرسید؟ شاید این سؤالی است که بعد از روبه‌رو شدن با هر تجربه احساس خشم با آن روبه‌رو باشیم یا بعد از تجربه یک رفتار پرخاشگرانه از خودمان بپرسیم چرا مهارت این را نداریم تا جلوی این چرخه را بگیریم؟ در وهله اول رفتار پرخاشگرانه خود نشان از این دارد که چیزی در چرخه تجربه هیجان ناکارآمد است. ممکن است احساساتی سرکوب شده باشند یا به همان صورتی که پیش‌تر اشاره شد بر اثر تجربه‌های پیشین به صورت اغراق میزی هیجان تجربه شود یا فرد ظرفیت روانی مناسبی نداشته باشد تا بتواند درون خود احساس خشم تجربه شده را تحمل کند و مدام بخواهد آن را به سمت محیط بیرون پرتاب کند.

اما از منظر درمانگران شناختی توالی‌های شناخت، هیجان و رفتار است که چگونگی شکل‌گیری و تداوم این مشکل را تبیین می‌کند. در واقع محیط یک فعال سازی در افکار خودآیند را ایجاد می‌کند به طور مثال در موقعیتی که فرد با یک تحقیر یا یک حق خوری روبه‌رو می‌شود، مدام در فکرش با خود چیزی شبیه این جملات را تکرار می‌کند که: «آنقدر بی عرضه هستی که دیگری حق تو را می‌خورد» یا «اگر از خودت دفاع نکنی از کولت هم بالا می‌روند» یا «حتی او هم که غریبه است می‌داند من چقدر احمق هستم» یا «من باید حقم را از این دنیا بگیرم» یا... این افکار خودآیند منفی که خودشان ریشه در یک باورهای بنیادینی دارند که فرد در تجربه دیرینه خود با وقایع مشابه آن را شکل داده است، هیجانی را فعال می‌کند که اینجا هیجان خشم است و در ادامه بسته به شدت آن افکار خودآیند منفی و قدرتمندی آنها می‌تواند رفتاری را چون پرخاشگری فعال کند. در واقع خود مدل این شناخت‌ها که به صورت افکار پیش می‌آیند است که مدل پرخاشگری را نیز مشخص می‌کند. در درمان‌های شناختی رفتاری روی همین مدل مفهوم پردازی‌ها کار می‌شود تا فرد با قطع یکی از اضلاع این سه ضلعی افکار، هیجان و رفتار به تنظیم رفتار برسد و در واقع چرخه‌ای چون پرخاشگری قطع شود. هدف عموماً کاهش رفتار است.

در درمان‌های هیجان مدار اما با شناخت سرو کاری نیست و افراد با شناخت هیجان‌های سازگار خود در یک مواجهه و مفهوم پردازی مجدد هیجانی به این تنظیم هیجانی می‌رسند.

نکته مهم در این میان این است که در نهایت هدف همه روان‌شناسان در پرداختن به موضوعاتی چون رفتارهای ناسازگار انسان، دادن این فرصت به افراد است که کنترل بیشتری روی خود و رفتارشان داشته باشند. در شماره بعد یکی از این روش‌ها را به صورت موردی بررسی خواهیم کرد که شاید برای شما اگر مشکلی در کنترل پرخاشگری دارید مؤثر باشد.

قیافه‌شناسی ادبی

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

آن روز یک ویدیو، از اینهایی که در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود به دستم رسید. معمولاً نگاه نکرده یک ایموجی می‌گذارم که یعنی خندیدم، ناراحت شدم یا اصلاً یعنی چه که این‌طوری است یا تأسف‌برانگیز است و... اما این ویدیوی یکی از نویسندگانی بود که من ازش خوشم می‌آید . البته خیلی‌ها خوش‌شان می‌آید چون تقریباً دیوانه است. تقریباً که نه، یعنی رسماً دیوانه است. در نوشتن، در شخصیت، در عکس‌ها و حرف‌هایی که می‌زند دیوانه است. چارلز بوکوفسکی از آن دسته نویسنده‌هایی است که با احمق و دیوانه بودنش به شما خوش می‌گذرد. ابایی ندارد در شعرها و نوشته‌ها و حرف‌هایش چیزهایی بگوید که دیگران نمی‌گویند. امروز سالگرد درگذشت اوست و این نوشته ادای احترامی است به او.

حالا ماجرای این ویدیو چه بود. بوکوفسکی می‌گفت در بچگی پدرش کتکش می‌زده و این کتک خوردن چه تأثیری رویش گذاشته است. جوری می‌گفت کتک می‌خورده که همه دردهایی که کشیده توی چهره‌اش پیدا بود. همان دردها شده است شعر و داستان؛ خودش می‌گفت. البته نقل به مضمون می‌کنم اینها را و یادم است همان وقت فکر کردم که اگر پدر من هم در کودکی مرا کتک می‌زد همین‌قدر به ادبیات فکر می‌کردم؟ اصلاً چرا باید یک نفر وقتی کتک می‌خورد به ادبیات رو بیاورد. رنج اصلاً چطور مقوله‌ای است که نتیجه‌اش می‌شود ادبیات. آنجایی که شما درحال رنج کشیدن هستید به یک زندگی رؤیایی فکر می‌کنید و بعد فکر می‌کنید این زندگی رؤیایی را کجا می‌توانید پیدا کنید و بعد می‌بینید کجا بهتر از ادبیات می‌شود یک زندگی ایده‌آل ساخت. یک زندگی رؤیایی که در آن، شما هرکاری دل‌تان خواست می‌توانید انجام دهید. در ادبیات، جهان مال شماست. کوه‌ها و دشت‌ها، بدی‌ها و خوبی‌ها، دریاها و جنگل‌ها و خانه‌ها مال شماست. چه کسی جرأت می‌کند به شما بگوید شما مالک این‌همه خوشی نیستید؟ هیچ‌کس نمی‌تواند، یعنی جراتش را ندارد که به شما چنین حرفی بزند. این است که بوکوفسکی وقتی کتک می‌خورد به رؤیاهایش فکر می‌کند و این رؤیا داشتن است که او را به سمت ادبیات می‌کشاند.

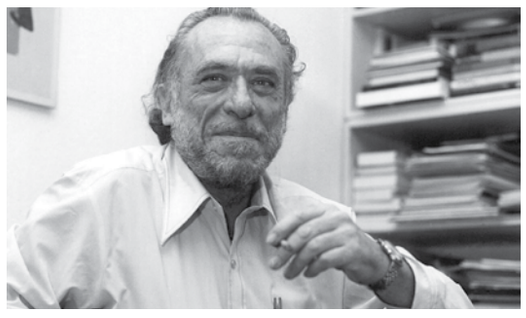

وقتی که در اداره پست کار می‌کند و تصمیم می‌گیرد از پست بیرون بیاید، چون نمی‌خواهد احمق باشد و می‌خواهد نویسنده باشد اما می‌داند فقر و گرسنگی را انتخاب کرده یک جور حماقت دیگر را تجربه می‌کند. حماقتی که نتیجه همان رنج‌هایی است که کشیده است. اصلاً اگر فکر کند چطور می‌خواهم زندگی کنم پست را ترک نمی‌کند و نویسنده نمی‌شود. ما دو احمق داریم یکی احمقی که در پست می‌ماند و یکی احمقی که بیرون می‌آید و نویسنده می‌شود. جهان همین‌قدر پیچیده است. او نویسنده می‌شود و جهانی می‌شود و آنقدر جهانی می‌شود که برای خودش ژانر است. ژانر آقای بوکوفسکی که فقط باید چنین زیستی داشته باشی که بتوانی آنطور راحت شعر و داستان بنویسی.

یک وقت‌هایی به قیافه نویسنده‌ها نگاه می‌کنم و فکر می‌کنم این نویسنده چطور نویسنده شده است. اصلاً به قیافه‌اش می‌خورد نویسنده باشد؟ چه قدیمی‌ها و چه دوستان خودم که با هم رفیق هستیم. قیافه آدم‌ها گمانم مهم است در اینکه او نویسنده است یا نویسنده نیست. اگر بگویم نوشتن یعنی رنج و این رنج باید در چهره‌ات مشخص باشد بیراه نگفته‌ام. این است که مثلاً قیافه خیلی‌ها نویسنده است و قیافه یک سری نویسنده نیست. یا شاید من اینطور فکر می‌کنم و تصورات من است. اما نمی‌توانید منکر شوید که قیافه چارلز بوکوفسکی نویسنده است.

انتزاع در فراتر از مرز خیال

پیشنهاد

مولود عظیم پور
گالری دار

نمایشگاه انفرادی «فراتر از مرز خیال» اثر کیومرث قورچیان در گالری رها دیزاین به‌صورت مجازی برگزار شد. در این نمایشگاه ۱۰ اثر به نمایش درآمده است. آثار قورچیان به روش انتزاعی اجرا شده و در ابعادی بزرگ روی بوم با سبک جدید به نام متانی کوام، که خود ایشان خالق آن است. متانی کوام، مهم‌ترین کیفیتی است که در تجزیه و تحلیل دیدار از طبیعت جلوه گر می‌شود. این مکتب جدید درکی از جهان و سفری آرام بخش است که از هر نقطه جهان آغاز و در حیطه علم و دانش قصه بی‌نظیری است از زمین و آسمان و هر آنچه بین آنهاست با زیبایی شناسی مبنی بر متافیزیک و به جهان پیام صلح و دوستی را با متانی کوام به ارمغان می‌آورد.

پیام صلح و آرامش در این آثار مشهود است، طبیعت از نگاه قورچیان که با تابش نور خصوصیات خود را حفظ کرده، به‌خاطر رنگ‌های غنی و آرام که در کلیت ترکیب یک فضای دل انگیز و آرام بخش ایجاد کرده است و بارقه‌هایی از تصاویر درون مغزی، کوانتوم نورونی، را بر اثر خود به تصویر کشیده است که پیامی از بقاء، صلح، تدبیر، اعتدال، اطمینان و امید را به همراه دارد.

کادربندی و ترکیب عناصر بصری در خلق آثارش همیشه بر مبنای ریتم طبیعت تنظیم شده است، طبیعتی که هرگز به طور کامل دیده نمی‌شود اما همیشه بازیگران اصلی صحنه هستند. آثار انتزاعی قورچیان از گذر سالیان حکایت دارد، از این رنگ‌های غنی گاه تصاویر مینیاتوری زیبایی بیرون آمده گویی گوشه‌ای از تاریخ کهن ایران را در برگرفته و حیات و شگفتی را بر عرصه کهن و فرتوت نوید می‌دهد.

این آثار متأثر از فلسفه شرق ذهن را ناخودآگاه به لایه‌های استعاری از زیبایی و کثرت را به وحدت در قالب یک دوستی و عشق به سمت رویکردی انسان شناختی سوق می‌دهد. این نشانه‌ها و ویژگی‌ها در آثار کیومرث قورچیان، قدرت، صلابت و ایستادگی است که با آرامش درونی و حقیقی همراه است و بیننده نظاره‌گر جلوه‌هایی از عالی‌ترین فضا از طبیعت است.

■ فراتر از مرز خیال
■ کیومرث قورچیان
■ گالری رها دیزاین

هنرمندان در فضای مجازی

با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال، اهالی فرهنگ و هنر در تلاش هستند تا همچنان آثار تازه خود را در این روزهای باقی مانده به اشتراک بگذارند. از بخش نشر گرفته تا آلبوم‌های موسیقی جدید و برنامه‌های هنری آنها.

■ **یاداو**

امروز ۱۸ اسفند ماه مصادف است با سالروز درگذشت سیمین دانشور نویسنده و مترجم شناخته شده ایران. دانشور نخستین زن ایرانی بود که به صورتی حرفه‌ای در زبان فارسی داستان نوشت. مهم‌ترین اثر او رمان سووشون است که نثری ساده دارد و به ۱۷ زبان ترجمه شده وازجمله پرفروش‌ترین آثار ادبیات داستانی در ایران به‌شمار می‌رود. سیمین دانشور همسرجلال آل احمد است« آتش خاموش»، «شهری چون بهشت»، «به کی سلام کنم»، «از پرنده‌های مهاجر بپرس» و...

■ **چهره ها**

مجید انتظامی آهنگساز موسیقی ایران قرار است آلبوم جدید خود را منتشر کند و این خبر را در صفحه شخصی خود اعلام کرده است. آلبوم «گرگ‌ها» اثر جدید این آهنگساز مربوط به موسیقی متن سریال «گرگ‌ها» به نویسندگی و کارگردانی داوود میرباقری است. تهیه کننده این کار بهروز خوش رزم و مجید گل بابایی است.

فردین خلعتبری آهنگساز موسیقی ایران به تازگی آلبومی منتشرکرده با نام «رامین و من» و آن را در صفحه شخصی خود منتشرکرده است. این آلبوم مجموعه آثار سینمایی فردین خلعتبری با محوریت آکاردئون است ودراین باره نوشته: خودت را با موسیقی خلاص می‌کنی هنوز که هم شبیه شبیه خودت باشی و هم بقیه آدم‌ها را سرحال بیاری» این مجموعه تدارکی است برای زادروز رامین خلعتبری در بهار و نام قطعات آن با توجه به مکان‌هایی که در آنها خاطره داشته‌اند توسط فردین خلعتبری انتخاب شده است.

مهوش وقاری در صفحه خود خبر داده است که درایام نوروز سریال «عید امسال» ساخته سعید آقاخانی از شبکه امید پخش می‌شود. این سریال ۱۵ قسمتی از روز شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۵ پخش خواهد شد. مجید صالحی، مهران غفوریان، علی صادقی، محسن قاضی مرادی، بهنوش بختیاری، بیتا سحرخیز و... از بازیگران این سریال هستند.

فردوس حاجیان آموزگار و نویسنده کتاب‌های درسی در صفحه شخصی خود از افرادی که در صفحه اینستاگرامی رسانه فرهنگی آدم‌حسابی‌ها فعالیت می‌کنند تشکر کرده ونوشت: «مردم عزیز و مهربان سپاسگزارم در پیج آدم حسابی‌های مملکت مرا مورد لطف قرار دادید. کاری جز فرهنگ و هنر و آموزش بلد نیستم. دو هدف مهم دارم: شهرک الفبای جدید به همراه تأسیس مدرسه اینترنتی وتأسیس دانشگاه برای جوانان.»

■ **دیگه چه خبر!**

این روزها نمایش کمدی موزیکال «خفتگان چشم باز» ساخته جواد انصافی روی صحنه تئاتر است. خبری که امیرحسین انصافی در صفحه شخصی خود منتشر کرده است و اشاره کرده این نمایش سیاه بازی تا بیستم اسفند ماه، هر شب به غیر از شنبه‌ها ساعت ۱۹ در سالن استاد جعفروالی در مجموعه محراب اجرا می‌شود.

■ **از دنیای نشر چه خبر؟**

نشر چشمه تازه‌ترین کتاب خود را با عنوان «رگ گردن بند برگردن دوشیزگان» بزودی منتشر می‌کند. کتابی با تم پلیسی به نویسندگی علیرضا شهبازیان. در بخشی از این کتاب پلیسی، جنایی، نوآر آمده است: «عشق به موکلی اعدامی، پرونده‌ای شکست‌خورده و کابوس‌هایی از طناب دار، گذشته مهام بهاوند است، وکیلی که در قامت یک کارآگاه مجبور به قبول یک پرونده پدرکشی می‌شود.»

نشر هرمس هم خبر از چاپ هشتم کتاب «جسدی در کتابخانه» اثر آگاتا کریستی با ترجمه مجتبی عبدالله‌نژاد خبر داده است. این کتاب در سال ۱۹۴۲ منتشر شد. داستان این کتاب با اتفاقی عجیب در یک صبح پاییزی آغاز می‌شود. خانم بانتری همراه همسرش دالی داخل عمارت گوسینگتون هال زندگی می‌کنند و پیشخدمت‌های زیادی دارند. یک روز ساعت هفت صبح یکی از پیشخدمت‌های این خانواده به نام «مری» این زوج را از خواب بیدار می‌کند و به آنها اطلاع می‌دهد در کتابخانه طبقه پایین جنازه دختری قرار دارد.

نشر آموت اعلام کرده کتاب «ما تمامش می‌کنیم» به نویسندگی کالین هوور و ترجمه آرتمیس مسعودی به چاپ بیست و یکم رسیده است و بعد از ۴ سال مجدداً مجوز تجدید چاپ گرفته و درباره این کتاب نوشته است: «شاید دوست داشتن، چیزی نیست که یک چرخه کامل باشد و به سرانجام برسد؛ شاید چیزی است دارای افت‌وخیز و زیر و بم، درست مثل آدم‌هایی که در زندگیمان با آنها برخورد می‌کنیم.»

عکس نوشت

خبرگزاری صدا و سیما در آستانه بهار به سراغ گلخانه پرورش گل شب‌بو در اصفهان رفته است. گل شب‌بو پای ثابت سال نو و عید نوروز است و از قدیم‌الایام زینت بخش سفره‌های هفت‌سین ایرانی‌ها بوده است.